

مقدمه کشف المحجوب

مأخذی ارزشمند در هجویری شناسی

دکتر غلام معین الدین نظامی

استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

PREFACE OF THE KASHF AL - MAHJUB A VALUABLE SOURCE ON HUVVERI STUDIES

Ghulam Moeen ud Din Nizami, PhD

Chairman Department of Persian

University of the Punjab, Lahore

Abstract

Persian preface of the Kashf al-Mahjub by Hazrat Sayyid Ali Hujveri has its own significant importance regarding Hujveri Studies. It provides some authentic information about the great author and his masterly work. It introduces the book, its theme and narrates the multi dimensional questions of Abu Said Hujveri which was a basic factor in compilation of the book. The rich content and simple and impressive style of the preface has been discussed in this article.

Keywords:

علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، مقدمه کشف المحجوب،

مقاله نویسی در متون شرقی.

مقدمه نویسی در آثار برجسته یکی از درخشان ترین سنت های مؤلفان پیشین در سرزمینهای شرقی است که به شکل های گوناگون تاکنون هم ادامه دارد. مقدمه های کتب مهم معمولاً از اهمیت فراوانی برخوردار است و دربردارنده اطلاعات معتبر و سودمندی درباره اثر و پدید آورنده آن است. به همین دلیل این گونه دیباچه ها از منابع دسته اول پژوهشگران بعدی در آن زمینه قرار می گیرد. بیشتر مقدمه های جامع در کتابهای برجسته پیشین غالباً مطالب مهم زیر یا برخی از آنها را بیان می کنند:

نام کتاب، نام مؤلف، نام آثار دیگر مؤلف و موضوعات آنها، زمان تألیف، نام و معرفی کسی که مؤلف به خاطر او اثر خود را پدید آورده است و چگونگی پیوند مؤلف با او، موضوع تألیف، اهمیت موضوع، ذکر منابع مهمی که قبلاً درباره موضوع مورد نظر پدید آمده است و چگونگی استفاده مؤلف از آنها، انگیزه تألیف، طرح تألیف و شرح ابواب و فصول آن، منابع تألیف، سبک نگارش آن، نویسنده چه انتظاراتی از خوانندگان دارد، دعائی و جز آن.

مقدمه کوتاه و جامع کشف المحجوب حاوی بیشتر نکات یاد شده و مهم ترین مأخذ در همجویری شناسی است. اهمیت آن در معرفی کشف المحجوب و مؤلف صاحب نظر آن نزد همگان پذیرفته شده است. اگر، خدای نکرده، این مقدمه در دست نبود، زبانی جبران نا پذیر در زمینه همجویری شناسی حاصل می شد.

مقدمه کشف المحجوب همجویری مشتمل بر جمله هایی چند و هشت فصل است که در توضیح بیشتر همان جمله ها آمده است. مقدمه، طبق سنت گذشتگان، با خطبه ای کوتاه به زبان عربی آغاز می شود. اصطلاحات و تراکیبی که در جمله های عربی به کار برده شده است، حال و هوایی عرفانی در آن ایجاد کرده است و با خواندن آن خواننده ای باهوش در همان آغاز به راحتی در می یابد که متن زیر نظر قطعاً درباره

عرفان و عارفان و مسامیل عرفانی تألیف شده است. گذشته از آن، این عبارت شاید تنها نمونه در دست از نثر عربی هجویری است. آن عبارت زیبای عربی را در اینجا می‌خوانیم:

المحمد المله المذی کشف لأولیائه بواطن ملکوته، و قشع
لأصفیائه سرانر جبروته، و أراق دم المحبین بسیف
جلاله، و أذاق سر المشتاقین روح و صاله. و هو المحیی
لمموات القلوب بانوار ادراکه، و المنعش لها براحه روح
المعرفة بنشر أسائه. والصلوة علی رسوله محمد و علی
آله و أصحابه. (هجویری، ۱)

استاد دکتر محمود عابدی، پژوهشگر معروف و مصحح محترم
متن کشف المحجوب، آن را چنین به فارسی برگردانده است:

حمد و ستایش مخصوص خدایی است که نهانی‌های
ملکوت خویش بر اولیای خود آشکار کرد و رازهای
جبروت خویش بر اصفیای خود پدیدار کرد، و به تیغ
جلال خود خون محبان بریخت و روح وصال خود به دل
مشتاقان بچشانند. او ست که دلهای مرده را با نور ادراک
خود زنده می‌کند و آنها را به نشاطی که از معرفت رایحه
اسمعی او سست به جنبش می‌آورد، و درود بر پیام‌آورش
محمد و بر خاندان و یاران او باد. (عابدی، ۲۱۴)

نام حضرت هجویری در مقدمه ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی
علی المجالبی ثم الهمجویری و نام تألیف وی کشف المحجوب آمده
است. جالبی نسبتی به شغل نیاکان همجویری است و هجویری یعنی
منسوب به هجویر که ناحیه‌ای است کوهستانی در جنوب غربی غزنه در
افغانستان امروزی. نام کتاب هم قطعاً کشف المحجوب است و نظر
کسانی که نام کتاب را کشف المحجوب لاریاب القلوب نوشته‌اند،
پذیرفتنی نیست.

مؤلف می گوید که او پیش از آغاز تألیف کتاب به استخاره پرداخته است. باید یاد آوری شود که این شیوه هم از سنت های رایج در آن روزگار بوده است و چندین مؤلف در آن دوره از جمله شیخ ابو عبدالرحمن سلمی و شیخ ابو نصر سراج طوسی نیز پیش از تألیف آثار گرانقدر خود استخاره کرده اند. سپس هجویری از خداوند یاری و توفیق می طلبد تا کار تألیف کتاب به خوبی به پایان برسد.

هجویری در فصل اول توضیح داده است که چرا در آغاز کتاب نام خود را ثبت کرده است؟ وی می گوید که به دو منظور نام خود را در آغاز کتاب و در جاهای مختلف آن ثبت کرده است: یکی این که اگر نام مؤلف در کتابی ثبت نباشد، جاهلان آن را به خود نسبت می دهند و رنج مؤلف اصلی به هدر می رود. چون یکی از انگیزه های تألیف و تصنیف این است که نام مؤلف بدان کتاب زنده باشد و خوانندگان برای مؤلف دعای خیر گویند. در اینجا حضرت هجویری اطلاعی مهم درباره اثر خود و سرنوشت آنها می دهد و می گوید که کسی دیوان شعری وی از او خواست و نام هجویری را از روی آن پاك گرد و همه اشعار را به خود نسبت داد. از این عبارت اشاره واری با شاعر بودن هجویری آگاه می شویم اما دانسته نیست که اشعار او به عربی بوده است یا به فارسی یا به هر دو زبان. همچنین وی کتابی به نام منهاج الدین در تصوف تألیف کرده بود که یکی از "مدعیان رکیک" آن را به نام خود شهرت داد، اگرچه خاصان آگاه بر او می خندیدند (هجویری، ۲۳) و او را به عنوان مؤلف نمی پذیرفتند.

منظور دوم، بنما به گفته هجویری، این است که چون مردم عامه نام مؤلف معتبری را در کتاب می بینند، مطالب آن را نیز معتبر و موثق می دانند و در خواندن و یاد گرفتن آن کوشاتر می شوند. (هجویری، ۳)

در فصل دوم هجویری اهمیت استخاره را بیان می کند و می گوید استخاره از اموری است که پیامبر اکرم به یاران خود می آموخت. وی

توصیه می کنند که مردم باید در آغاز همه کارها استخاره کنند تا خداوند آنان را "از خطار خلل و آفت" نگاهدارد. (هجری، ۳.۴)

در فصل سوم گفته شده است که هیچ غرض نفسانی در تألیف کتاب وجود ندارد. وی می گوید:

اندر هر کاری که غرض نفسانی اندر آید، برکت از آن کار برخیزد. (هجری، ۴)

در این فصل بحث خوبی درباره موضوع آمده است. (هجری، ۴.۵)
 هجری در فصل چهارم مقدمه خود اهمیت "نیت" را بیان می کند. نیت در انجام کاری از نظر دینی اهمیت فراوانی دارد:
 نیت را اندر کارها سلطان عظیم است و پرهان صادق که بنده به یک نیت از حکمی به حکم دیگر شود. (هجری، ۵)

سپس وی خطاب به سؤال کننده می گوید که شما مسئله هایی چند از من پرسیدید و مرا شایسته آن دیدید و از من خواستید تا در جواب آن مسایل کتابی تألیف کنم که برای شما و دیگران سود مند باشد. بنا بر این بر من لازم بود که پرسش شما را بی پاسخ نگذارم. چون فوری نمی توانستم حق کامل پرسش شما را بگذارم، عزم خود را بر اتمام آن جزم کردم و نیتی را سرخ کردم که در پاسخ به پرسش های شما کتابی شایسته تألیف کنم. (هجری، ۵.۲)

این بخش از مقدمه در ذیل سبب تألیف به شما راست. نام سؤال کننده و سؤالات وی پساً تر ذکر شده است.

فصل پنجم مقدمه نکته هایی لطیف درباره نامگذاری کتاب را در بردارد. هجری می گوید نام این کتاب به خاطر این کشف المحجوب گذارده شده است:

تا نام کتاب ناطق باشد بر آنچه اندر کتاب است

مرگروهی را که بمصیرت بود، چون نام کتاب بشنوند،

دانند که مراد از آن چه بوده است. (هجوی، ۲)

در شایستگی نام کتاب چنین می گوید:

بدان که همه عالم از لطیفه تحقیق محجوب اند بجز اولیای

خدای عزوجل و عزیزان درگاهش، و چون این کتاب اندر

بیان راه حق بود و شرح کلمات تحقیق و کشف حجب

بشریت، جز این نام او را اندر خور نبود. (هجوی، ۲)

سپس بحثی مفید درباره چگونگی حجاب و انواع آن آمده است.

به نظر مؤلف حجاب دو نوع است: یکی رینی و دیگری غینی. حجاب دینی

هیچگاه بر نمی خیزد و حجاب غینی زود از بین می رود. پس کتاب کشف

المحجوب برای کسانی نوشته شده است که دلهای آنان در حجاب غینی

محجوب مانده است. (هجوی، ۲.۸)

تا به برکت خواندن این کتاب آن حجاب برخیزد و به

حقیقت معنی راه یابند. (هجوی، ۸)

هجوی در فصل ششم خطاب به سؤال کننده می گوید که من به

خوبی از مقصود شما آگاه شدم و پرسش های شما را از هر جهت درك کردم

به خصوص خواسته شما را که من در پاسخ به پرسش های شما کتابی

تألیف کنم و به تفصیل به شرح اشکالات شما بپردازم. (هجوی، ۹)

فصل هفتم طولانی ترین فصل مقدمه است. در آن اهمیت یاری

خواستن از خداوند از دیدگاه دینی و عرفانی مطرح شده است. سپس

هجوی نام سؤال کننده را ابو سعید الهجوی می نویسد و سؤال وی را

به صورت کامل چنین ثبت می کند:

بیان کن مرا اندر تحقیق طریقت تصوف و کیفیت مقامات

ایشان، و بیان مذاهب و مقالات آن و اظهار کن مرا رموز

واشعارات ایشان، و چگونگی محبت خداوند. عزوجل. و کیفیت

اظهار آن بر دلها و سبب حجاب عقول از کنه ماهیت آن،
و نفرت نفس از حقیقت آن، و آرام روح با صفوت آن، و آنچه
بدین تعلق دارد از معاملات آن. (هجوی، ۱۰)

بهترین بیان موضوع کتاب در همینجا است. کشف المحجوب در
پاسخ بدین پرسشها به نگارش در آمده است و متن و زین کتاب شرح مفصل
همین نکته ها است.

هجوی در این فصل دوباره نام خود را بدین صورت نوشته
است: علی بن عثمان الجلابی. (هجوی، ۱۰) چکیده مطالب دیگری که
در این فصل مورد بحث قرار گرفته است، به شرح زیر است:

۱. دانش عرفانی در این زمانه فراموش شده است. بخصوص در
این دیار که همه مردم مشغول هوای نفس گشته و از راه رضا گریزان اند
و صوفیان ریایی تصوف راستین را نادیده می گیرند. همه به ظواهر
تصوف بسنده می کنند. تحقیق در دین و عرفان در این زمانه ناپدید شده
و تقلید جای آن را گرفته است.

۲. من پیش از این نیز چندین کتاب در زمینه تصوف و صوفیه
تألیف کرده ام که همه به باد رفت. بعضی از مردم بخش هایی از آن کتابها
را برگزیدند تا توسط آن مردم را شکار کنند و بقیه مطالب را نابود کردند.
گروهی دیگر آن کتابها را به ظاهراً نکرند اما هیچگاه هم مورد
مطالعه قرار ندادند. بعضی ها آنها را خواندند اما مطالب را درک نکردند.
متأسفانه جاهلان با آثار عارفان پیشین همین کار را کرده اند. از اینجا
آگاه می شویم که کشف المحجوب نخستین اثر هجوی نبوده و شاید
آخرین آثارش باشد.

۳. تصوف گویی کبریت احراست و خیلی نادر. کیمیایی است که
اندک مقدار آن نیز می تواند مس و روی را به زر سرخ تبدیل کند.

۴. زمان ما دوره فترت است. اهل زمانه هوای نفس را شریعت،

طلعت جاه و ریاست و تکبر را عز و علم ... ترك شریعت را طریقت و آفت
اهل زمانه را معامله ملت می گویند. عارفان راستین در میان آنان مهجور
گشته و ناراستان بر آنان چیره شده اند. (هجوی، ۹۱۳)

آخرین و هشتمین فصل مقدمه کشف المحجوب حاوی مطالبی
در باره اوضاع روزگار و چگونگی محجوبان زمانه است. هجوی در پایان
آن اشاره می کند که تلاش او بر این بوده است که:

۱. شیوه بیان کتاب لطیف باشد
 ۲. در کتاب "عبارات اهل صنایع" شرح داده شود
 ۳. در لایه لای آن گفتارهای بزرگان عارف نیز گنجانیده شود
 ۴. از حکایات مشایخ نیز استفاده بجای سرشاری شود
- هدف نگارنده، بنا به گفته خودش، این است که ابوسعید هجوی
از کتاب استفاده کنند و اشکالات وی رفع گردد و در ضمن کسانی که آن
کتاب را مطالعه کنند، بویژه علمای ظاهر، بدانند که:
۱. تصوف پدیده ای بی اصل نیست، پیوندی استوار با قرآن و سنت دارد
و باعث استفاده معنوی مردم و برای آنان سودمند است.
 ۲. همه مشایخ تصوف از دانشمندان دینی بوده اند. آنان تلاشهایی کرده
اند تا مریدان به فراگیری دانش مشغول شوند و بر آن مداومت نمایند.
 ۳. صوفیه هیچگاه از لهر و هزل پیروی نکرده و بر راه لغو نرفته اند.
 ۴. بسیاری از مشایخ و دانشمندان عرفانی درباره عرفان، عارفان
و مقامات و حجابات در راه عرفان تألیفات ارزشمند به یادگار گذاشته اند
که موجب هدایت خلائق بوده است.

کتابشناسی

- هجوی، علمی بن عثمان (۱۳۸۳)، کشف المحجوب، مقدمه تصحیح
و تعلیقات: دکتر محمود عابدی، سروش تهران.
عابدی، محمود (۱۳۸۳)، تعلیقات کشف المحجوب، سروش تهران

